



اگر با برنامه پیش برویم و اردوهای تیم ملی متوقف نشود و بازی‌های تدارکاتی و بین‌المللی خوبی داشته باشیم، آینده دختران فوتبال درخشان خواهد بود. چون ما پتانسیل خوبی در ایران داریم

می‌کردم اینقدر خوب به همه چیز برسیم که هیچ‌کس نتواند از ورزش کردن من انتقاد کند. خدا را شکر می‌کنم که بعد از سه سال همه چیز شکل حرفه‌ای به خود گرفت. از سال ۸۴ لیگ فوتبال شروع شد و من اولین بازی رسمی خودم را برای تیم محبوبم ملوان در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۰ در زمین شماره دوی ورزشگاه آزادی انجام دادم و بقیه ماجرا رخ داد.

می‌دانیم پسران هم فوتبال بازی می‌کنند. شما به عنوان سرمربی چه آینده‌ای را برایش متصور می‌شوید؟

راستین هم بدتر از من عاشق فوتبال است و همیشه باعث خرابکاری‌هایی در خانه می‌شویم. تا چیزی را نشکنیم راحت نمی‌شویم. البته شوخی می‌کنم اما واقعاً یک بار تلویزیون را نابود کردیم.

اولین کلمه‌ای که راستین گفت، توپ بود و الان هم در تیم ملوان فوتبال بازی می‌کند. یک فوتبالیست باهوش و تکنیکی است.

فوتبال باعث نشده رابطه برقرار کردن با زنان دیگه برای شما سخت شود؟ یا حرف مشترکی با آنها نداشته باشید؟

دوستان من از هر قشری هستند و تقریباً سعی می‌کنم با هرکدامشان در شرایط خاص خودشان باشم. مثلاً با دوستان دوران دبیرستانم اصلاً حرف ورزشی نمی‌زنیم. چون آنها اصلاً ورزشی نیستند. بیشتر در مورد دغدغه‌های اجتماعی صحبت می‌کنیم. یک گروه هم داریم به نام «تجربی الف» که اتفاقاً جذاب است. هر وقت می‌خواهم کمی از فوتبال و دردسرهاش فاصله بگیرم، در آن گروه با دوستانم گپ می‌زنم. در واقع چون همیشه برای برابری تلاش می‌کنم، طبیعتاً طیف زنان اطرافم گسترده‌تر است و ارتباط خیلی خوبی با هم داریم.

بود. به نظر شما چرا آن همه جنجال و ابهامات درباره جنسیت دختران فوتبالیست ما مطرح شد؟ فکر می‌کنید اگر به موقع به این موضوع رسیدگی می‌شد، باز هم این اتفاقات برای بازیکنان دیگری چون کودایی دردسرساز می‌شد؟

برعکس شما، من به نقطه مثبت این ماجرا فکر می‌کنم که آن اتفاق برای زهره باعث شد تا جامعه و یا کسانی که دخترهای فوتبالیست را مورد تهمت قرار می‌دادند، بپذیرند که هر کسی، با هر نوع تیپ و قیافه، می‌تواند انتخاب کند که چطور زندگی کند. همان‌طور که اگر یک پسر به سمت موسیقی و رقص برود، کسی نمی‌گوید دختر است، نباید به فوتبالیست‌های زن هم ایراد گرفته شود. فکر می‌کنم زهره کودایی نماد ایستادگی برای اهداف زیبایی‌شناسی بود و خوشحالم که هم جامعه و هم دولت به موقع از او حمایت کردند که این تأثیرگذار بود.

با اتفاقاتی که در مدیریت فدراسیون فوتبال رخ داده، آینده برنامه‌هایی که برای فوتبال زنان داشتید را چطور می‌بینید؟

باید صبر کرد و دید برنامه‌ای که برای رشد و توسعه فوتبال بانوان بود، چطور پیش خواهد رفت. من هم مثل شما منتظرم اما مطمئنم خانم موسوی حمایت همه‌جانبه‌ای از فوتبال بانوان خواهند داشت.

آینده فوتبال زنان ایران را چطور می‌بینید؟ مسیر حرفه‌ای شدن فوتبال زنان از نظر شما ممکن است؟

اگر با برنامه پیش برویم و اردوهای تیم ملی متوقف نشود و بازی‌های تدارکاتی و بین‌المللی خوبی داشته باشیم، آینده دختران فوتبالیست درخشان خواهد بود. چون ما پتانسیل خوبی در ایران داریم.

حساب تیم زنان ملوان اما با سایر تیم‌ها متفاوت است. هواداران ملوان خیلی جدی و مصمم تیم را حمایت می‌کنند و این انگیزه زیادی به مربی و بازیکنان تیم می‌دهد.

حضور هواداران هم که بهترین و زیباترین حس دنیا برای من بود. همیشه آرزو داشتم مثل یک فوتبالیست پسر در حضور هواداران بازی کنم و تشویق شوم که به لطف خدا و هواداران پرشور و با معرفت ملوان به این آرزویم هم رسیدم. یادم هست در فینال جام حذفی وقتی داشتیم گرم می‌کردیم، همین‌طور گروه گروه مردم وارد استادیوم می‌شدند. به بچه‌ها گفتم یک لحظه بایستید، فقط نگاه کنید و لذت ببرید. خیلی بغض داشتم و لحظات عجیب و غریبی برایم بود. کل بازی همش به سکوها نگاه می‌کردم. انگار استرس داشتم مبادا هواداران بروند. در آن بازی هم گل زدم و هم پاس گل دادم. خیلی برایم لذت بخش بود.

در آن سال‌ها حتی در سطح ملی هم امکانات برای تیم فوتبال زنان خیلی کم بود. خاطره خاصی از آن زمان درباره مشکلاتی که کمبود امکانات ایجاد کرده بود، در ذهن شما مانده؟

یادم هست که خانم لواسانی، سرپرست تیم ملی همیشه نخ و سوزن همراه‌شان بود. چون دودست لباس می‌دادند که اگر اتفاقی می‌افتاد باید بین نیمه، همان لباس رو به شکلی ترمیم می‌کردیم. البته مقاطعی هم بود که همه چیز خوب پیش می‌رفت و امکانات و لباس‌های خوبی در اختیارمان قرار می‌گرفت.

یکی از اتفاقاتی که در سال ۱۴۰۰ برای تیم ملی ایجاد شد و فوتبال زنان را تحت تأثیر قرار داد، ماجرای کودایی بود که در رابطه با زهره کودایی پیش آمد که همزمان با درخشش او در تیم ملی

همیشه همین‌طور بودید؟

بله واقعاً. قبل از اینکه فوتبالیست شوم، در همه میهمانی‌ها سمت پدرم و مردها می‌نشستم و از صحبت درباره مسائل فوتبالی و گوش دادن به آنها لذت می‌بردم. الان اما قضیه کمی فرق کرده است و به لطف اینترنت و فضای مجازی، در تمام جمع‌ها همه از من سؤال فوتبالی دارند و همه دوستان خانم هم نسبت به این موضوع مشتاق شده‌اند. البته این را باید بگویم که دوستان صمیمی‌ام خیلی مرا تحمل می‌کنند و همیشه پشتم هستند. آنها فوتبالی نیستند و این کم بودن‌های من، به لطف خوبی‌های آنها خللی در روابط ما ایجاد نکرده است که به خاطر همین همیشه قدردان‌شان هستم. فکر کنم کاملاً مشخص است که چقدر رفیق باز هستم.

تجربه سرمربیگری تیم ملی با مربی-بازیکن بودن در ملوان، دو تجربه متفاوت به نظر می‌رسد. خودتان کدام را بیشتر دوست دارید؟

این خیلی سؤال سختی است. من از سال ۸۸ تا بهمن ۹۲ هم مربی تیم ملی بودم و هم بازیکن-مربی تیم ملوان. این شاید به این دلیل بود که ورزش ما کاملاً نوپا بود و ما مربی با مدرک بالا کم داشتیم؛ هم سخت بود، هم خوب. به هر حال مدیریت کردم. چون هر دو کار، نیاز به فاکتورهای نظم و کاریزما دارد که خب با بالا و پایین‌های زیادی که برای من داشت، تجربیات ارزشمندی را هم به دست آوردم. باید بگویم در آن سال‌ها همیشه تیمم یا قهرمان می‌شد یا نایب قهرمان. در سطح ملی هم با وجود زمان کم اردوها اما همیشه از مرحله اول صعود می‌کردیم. چون من عاشقانه فوتبال را دوست داشتم و برایش وقت می‌گذاشتم.

